

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تقیه  
موضوع جزئی: قلمرو تقیه - جهت سوم: بررسی اعتبار عدم مندوحه  
تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۳۹۷  
مصادف با: ۲۹ جمادی الاولی ۱۴۴۰  
قول پنجم (امام خمینی) - حمل روایات لزوم اعمال حیلہ بر استحباب  
جلسه: ۳۳

﴿الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين﴾

حمل روایات لزوم اعمال حیلہ بر استحباب

نظر امام (ره) درباره اعتبار یا عدم اعتبار قید عدم مندوحه در تقیه بیان شد و دلیل ایشان بر تفصیل بین تقیه از مخالفین و بین تقیه از غیر مخالفین ذکر گردید. ایشان در بیان عدم اعتبار عدم مندوحه مطلقاً نسبت به مخالفین فرمودند نه تنها عدم مندوحه معتبر نیست، بلکه راجح این است که بر طبق مذهب آن‌ها عمل شود و حتی اگر اعمال حیلہ هم ممکن است، وجوب ندارد. لکن در آخر کلامشان می‌فرمایند به هر حال اخباری وجود دارد که ظهور در لزوم اعمال حیلہ دارد؛ یعنی اگر نفی وجوب از اعمال حیلہ کردند، قهراً می‌بایست چاره‌ای برای این روایات هم بیاندیشند. ایشان چند روایت را نقل می‌کند و نهایتاً این روایات را حمل بر استحباب می‌کنند.

ایشان می‌فرماید این اخبار نوعاً در باب قرائت و جماعت است و موضوع خاص دارد. یعنی اینطور نیست که این اعمال حیلہ را در غیر موضوع صلاة داشته باشیم و در موضوعات دیگر هم طرح شده باشد.

روایت اول

از جمله روایاتی که ظاهر آن‌ها دال بر لزوم اعمال حیلہ است، موثقه سماعه است قال «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَ يُصَلِّي فَخَرَجَ الْإِمَامُ وَقَدْ صَلَّى الرَّجُلُ رُكْعَةً مِنْ صَلَاةِ فَرِيضَةٍ» می‌گوید از امام درباره کسی سوال کردم که مشغول خواندن نماز است و بعد امام جماعت وارد مسجد می‌شود و نماز را شروع می‌کند در حالی که این شخص یک رکعت از نماز فریضه را به جا آورده است، این شخص چه باید کند؟ «فَقَالَ (ع): إِنْ كَانَ إِمَامًا عَدْلًا فَلْيَصِلْ أُخْرَى وَيَنْصَرِفْ وَيَجْعَلُهُمَا تَطَوُّعًا وَ لِيَدْخُلَ مَعَ الْإِمَامِ فِي صَلَاتِهِ كَمَا هُوَ» اگر امام عادل است یعنی می‌شود به او اقتدا کرد، یک رکعت دیگر به این رکعتی که خوانده اضافه کند و بعد سلام دهد و آنگاه این دو رکعت را به عنوان نماز مستحبی قرار دهد و سپس وارد در جماعت شود. «وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ إِمَامًا عَدْلًا فَلْيَبْنِ عَلَى صَلَاتِهِ كَمَا هُوَ وَ يُصَلِّي رُكْعَةً أُخْرَى مَعَهُ يَجْلِسُ قَدْرَ مَا يَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ لِيَتِمَّ صَلَاتُهُ مَعَهُ عَلَى مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ التَّقِيَّةَ وَاسِعَةٌ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ التَّقِيَّةِ إِلَّا وَ صَاحِبُهَا مَا جُورَ عَلَيْهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»<sup>۱</sup> می‌فرماید اگر امام جماعت عادل نیست، بنا بگذارد بر همان نمازی که می‌خوانده و یک رکعت دیگر هم بخواند و آنگاه به اندازه‌ای که بتواند فقط تشهد بگوید بنشینند،

۱. کافی ج ۳ ص ۳۸۰ حدیث ۷. و مسائل الشیعه ج ۸ ص ۴۵۰ باب ۵۶ از ابواب صلات الماعه حدیث ۲.

بعد نمازش را به اندازه ای که می‌تواند با امام غیر عادل تمام کند. برای اینکه تقیه مجالش واسع است و هیچ تقیه ای نیست إلاً اینکه أجر و پاداش آن بر عهده خداوند تبارک و تعالی است.

**تقریب استدلال:** «ثمَّ لیتَمَّ صَلَاتَهُ مَعَهُ عَلٰی مَا اسْتَطَاعَ» امر می‌کند به تنمیم نماز و اتیان نماز به مذهب حق. چون می‌گوید یک رکعت اضافه کند و نمازش را تمام کند و به اندازه‌ای بنشیند که بتواند تشهد بگوید. اینکه می‌گوید به اندازه این بنشیند که بتواند تشهد بگوید، در واقع می‌گوید به نحوی بنشیند که کأنَّ دارد آهسته حرکت می‌کند و به ظاهر مشکل دارد در اینکه نمازش را به سرعت تمام کند یعنی جوری عمل کند که نشان دهد تشهد نمی‌گوید ولی در عین حال تشهد بگوید. این معنایش این است که تا آنجایی که برایش مقدور است، به مذهب خودش عمل کند و آن مقداری هم که نمی‌تواند، به مذهب آن‌ها عمل کند. امر به «ما استطاع» و اینکه مقدار استطاعت را بیان کرده معنایش این است که نماز را به مذهب خودت آن مقدار که می‌توانی بخوان.

اینکه می‌گوید: «فان التقیة واسعة» تقیه واسعه است، اشاره دارد به آن مقدار که نمی‌توانی، یعنی کأنَّ نماز چنین شخصی دو بخش دارد، یک بخش آن مقداری است که امکان اتیان به مذهب حق برای او هست مانند مسئله تشهد، و بخش دیگر آن مقداری است که باید تقیتاً عمل کند و لذا این ظهور در لزوم اعمال حیله دارد.

**سوال:**

**استاد:** منظور عدل اصطلاحی است یعنی شیعه.

**سوال:**

**استاد:** بله یک چنین فرضی ممکن است ولی این سوال با توجه به اوضاع آن زمان، امام عدل یعنی امام شیعه و امام غیر عدل یعنی امام غیر شیعه.

**سوال:**

**استاد:** منظور این است که رکعت دومش را طوری بخواند که کأنَّ دارد با آن‌ها همراهی می‌کند نه اینکه آنقدر بنشیند که آن‌ها برسند به این شخص. بلکه می‌گوید مثلاً یک رکعت خوانده، مطابق با مذهب حق بوده و باید یک رکعت دیگر اضافه کند و بعد از رکعت دوم به اندازه‌ای بنشیند که تشهدش را بگوید و بعد بقیه نماز را با آن‌ها تمام کند.

**سوال:**

**استاد:** فرض این است که امام جماعت بعد از این شخص وارد شده و مهم این است که این شخص در مقداری که خوانده که طبق مذهب خودش بوده. امام می‌فرماید: در باقیمانده تا آنجایی که می‌تواند مطابق مذهب خودش بخواند و در آن مقداری که نمی‌تواند تقیه کند. اگر منظور این بود که آنقدر بنشیند که جماعت به این شخص برسد، دیگر نمی‌گفت «قَدَرَ مَا یَقُولُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ...»

**سوال:**

**استاد:** ما با کیفیت نمازش کار نداریم. ما با اصل اینکه امام فرموده تا حدی که می‌تواند نماز بر طبق مذهب خود را علی ما استطاع تمام کند، کار داریم.

**سوال:**

**استاد:** منظور این نیست که نمازش را با او تمام کند، بلکه منظور این است که نمازش را به نحوی تمام کند به اندازه‌ای که می‌تواند. یعنی آن نمازی را که بر طبق مذهب حق شروع کرده، تا آنجایی که می‌تواند ادامه دهد و تا آنجایی که می‌تواند تمام کند. اینکه تعلیل می‌آورد و می‌گوید: «فإن التقیة واسعة»، یعنی آن مقداری را که نمی‌تواند تقیاً اتیان کند. و اینکه می‌گوید «قدر ما یقول»، ظهور در حیله دارد. یعنی آن قدری بنشیند که مقدار ضروری تشهد را بگوید و به آن‌ها نشان دهد که فرادی نمازش را نمی‌خواند.

**سوال:**

**استاد:** فوقش این است که شما می‌گویید این ظهور در لزوم اعمال حیله ندارد ولی کسانی که اعمال حیله را لازم می‌دانند، بالاخره به یک روایاتی استناد کردند و ما قدر مسلم روایاتی داریم که دلالت بر لزوم اعمال حیله می‌کنند. نهایتاً شما در این که این روایت دلالت بر اعمال حیله می‌کند اشکال دارید ولی مهم این است که این روایات وجود دارد و برخی هم از این روایات لزوم اعمال حیله را استفاده کردند و این قابل انکار نیست.

**روایت دوم**

صحیحہ علی بن یقظین: « قال : سألت أبا الحسن عن الرجل یصلی خلف من لا یقتدی بصلاته، و الإمام یجهر بالقراءة، قال: إقرأ لنفسک، و إن لم تسمع نفسک فلا بأس<sup>۱</sup>»

در اینجا سوال می‌شود از کسی که می‌خواهد نماز بخواند و اقتدا کند به امامی که شرایط امامت را ندارد. «من لا یقتدی بصلاته»، یعنی مشکل در نماز اوست به این معنا که من المخالفین است. بلکه امام جماعت «یجهرُ بالقراءة» یعنی جای جهر نیست اما او جهر می‌خواند؛ امام فرمود «إقرأ لنفسک» ولو اینکه خودت نمی‌شنوی.

**سوال:**

**استاد:** منظور این است که طوری باشد انگار دارد در ذهن خودش مرور می‌کند.

**سوال:**

**استاد:** اولاً در تمام جوامع روایی، این روایت جزء روایت تقیه آمده است و نمی‌شود که فهم همه صاحبان جوامع روایی را تخطئه کنیم؛ این روایت با توجه سؤال سائل و راوی و پاسخ امام، معلوم است که سؤال پیرامون چه موضوعی است.

<sup>۱</sup> تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۳۶ حدیث ۱۲۹. وسائل ج ۸ ص ۳۶۳ باب ۳۳ از ابواب صلات الجماعة حدیث ۱.

ثانیاً: به حسب ظاهر روایت کأن این شخصی که به آن اقتدا می‌کند، از نظر نمازی که می‌خواند مشکل دارد و ظهور در این دارد که امام جماعت کأن نماز را در یک چارچوب دیگر و احکام دیگری دارد اقامه می‌کند. عمده این است که در این روایت هم همین که امام امر کرده است به اینکه خودت برای خودت قرائت کن ولو اینکه نشنوی، در حقیقت امر به لزوم اتیان به قرائت است به قدر الإستطاعه و این هم همان حيله است. یعنی اقتدا نکن و در عین حال به حسب ظاهر اقتدا و همراهی کن ولو با آن که حتی خودت هم نمی‌شنوی.

#### روایت سوم

روایت سوم، روایتی مرسله است از ابی عبدالله (علیه السلام) «قال: یجزیک من القرائة معهم مثل حدیث النفس»<sup>۱</sup>. روایات دیگری هم که داریم ولی همانطور که عرض کردم اگر در برخی از روایات از حیث دلالت اشکال شود، تردیدی در این نیست که در باب قرائت حمد یا در باب جماعت، به طور کلی روایاتی داریم که دلالت بر این دارد که تا آنجایی که ممکن است قرائت کنید و یا تا آنجایی که ممکن است، نماز را به مذهب خودتان بخوانید. این معنایش این است که تا زمانی که حيله ممکن است، به نحوی عمل را انجام دهید که موجب التباس امر شود و اگر به حدی رسید که دیگر استطاعت بر این امر ندارید، آنجا باید تقیه کنید. به هر حال این روایات ظهور در لزوم اعمال حيله دارد.

امام می‌فرماید با توجه به قوت ظهور آن روایات مثل «من صلی خلف رسول الله فی الصف الأول». ترغیب نماز با این‌ها و تشویق حضور در اجتماعات و تشییع جناز این‌ها، آنقدر قوی و زیاد است که انسان پی می‌برد به اینکه اساساً نفس بودن با این‌ها رجحان دارد و حتی اگر بتواند حيله هم بکند، لازم نیست. به علاوه یک بیان قابل توجهی داشتند که اگر لزوم اعمال حيله بخواهد به عنوان یک دستور از ناحیه شارع بیان شود، این با غرض از تشریح تقیه منافات دارد. چون بالاخره چنین دستوری وقتی در اختیار افراد با ظرفیت‌های مختلف قرار گیرد و قرار باشد همگی اعمال حيله کنند، این خودش موجب افشاء سر می‌شود و آن غرضی که از تقیه تعقیب می‌شد، از بین می‌رود. لذا امام فرمودند با توجه به قوت ظهور آن طائفه از روایات، ما این روایات را حمل بر استحباب می‌کنیم چون این روایات از نظر سندی در بینشان صحاح وجود دارد. از نظر دلالت هم حداقل در برخی از این امور، می‌توانیم دلالت را بپذیریم. پس چاره ای نیست (بعد از اینکه این دسته از روایات سنداً و دلالتاً تمام‌اند)، جز اینکه این روایات را حمل بر استحباب کنیم. یعنی مستحب است و رجحان دارد تا جایی که امکان اتیان به مذهب حق وجود دارد، به این نحو عمل کنیم ولی اگر این امکان نبود تقیه کنیم.<sup>۲</sup>

مسئله مهم این است که اصل این حمل تمام است یعنی می‌توانیم این حمل امام بر استحباب را بپذیریم یا نه؟

۱. کافی ج ۳ ص ۳۱۵ حدیث ۱۶. تهذیب ج ۲ ص ۹۷ حدیث ۳۶۶. وسائل ج ۶ ص ۱۲۸ باب ۵۲ از ابواب قرائت فی الصلاة حدیث ۳.

۲. الرّسالات الفقہیة و الأصولیة رسالت التقیه ص ۶۴ تا ۶۶.

### بررسی حمل روایات بر استحباب

به نظر می‌رسد که با توجه به نکاتی که در جلسه گذشته گفتیم و خود امام هم فرمودند که بالاخره این همه ترغیبی که شده است برای حضور در نمازها و اجتماعات آنها، حاکی از اهتمام شارع به امر تقیه است. به جهت مسائل مهمی که تقیه داشته است. یعنی این مسئله آنقدر مهم بوده که چنین تعبیراتی در مورد همراهی با آنان بکار رفته است. آنوقت با توجه به این اهتمام و با توجه به اینکه اعمال حيله به نحوی اگر حتی رجحانش بیان شود، ممکن است منجر به افشاء سرّ شود آیا می‌توان آن را حمل بر استحباب کرد؟ درست است که بین وجوب و استحباب فرق است، یعنی اگر وجوب بود، قطعاً موجب افشاء سرّ می‌شد. ولی خطر افشاء سرّ حتی در فرض استحباب اعمال حيله هم وجود دارد؛ یعنی بالاخره با توجه به آن مسائل مهم و با توجه به اینکه نگرانی وجود دارد که استحباب اعمال حيله هم ریسک افشاء را بالا ببرد، به نظر می‌رسد که حمل این اخبار بر استحباب هم مشکل باشد. یعنی در چارچوبی که امام برای این بحث قرار دادند و استدلالی که ذکر کردند و شواهدی که بیان کردند، حمل این اخبار بر استحباب خالی از اشکال نیست.

«والحمد لله رب العالمین»